

خبرها

رو شرایط ایران را پذیرفت

ایستا: همه شرایط ایران برای قرارداد ال-۹۰ از سوی زنو پذیرفته شده و اگر تحت تاثیر مسائل سیاسی قرار نگیرد، این هفته به امضای نهایی خواهد رسید.
علیرضا طهماسبی - وزیر صنایع و معادن- در حاشیه همایش بررسی راهکارهای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در بخش تعاون در رابطه با تکلیف قرارداد ال-۹۰ گفت : خوشبختانه تمام شرایط ایران پذیرفته شده است و اگر قرارداد تابع برخی مسائل سیاسی نباشد، فکر می‌کنم این هفته قرارداد امضا شود. طهماسبی با تاکید بر این که امکان راه‌اندازی خط تولید پیکان در ایران دیگر وجود ندارد، گفت : در برخی از کشورهای آفریقایی مذاکراتی به این منظور در حال انجام است تا قالب‌هایی را با حداقل هزینه ممکن به آنجا منتقل کنیم و اگر این کار انجام شود، نقطه مبثی برای بسیاری سازندگان قطعات بدکی پیکان در کشور خواهد بود و مزایای بسیاری در بر دارد اما چون هنوز به توافق نهایی نرسیدیم، هیچ چیزی مشخص نیست.

افتتاح کارخانه تولید بنز در ایران

ایستا : با وجود این که مدتی است تولید بنز در ایران شروع شده، اما کارخانه تولید خودروهای بنز در ایران از هفته آینده به صورت رسمی افتتاح می‌شود. تولید بنز سواری تحت کلاسی دایملر کرایسلر رسماً از هفته آینده تولیدش آغاز می‌شود. این تولید فعلاً به صورت SKD یا مونتاژ ساده است و طی دو ماه آینده فاز تولید CKD با توجه به راه‌اندازی خطوط بدنه‌سازی آغاز می‌شود. سالن رنگ مرسدس نیز از ابتدای امسال در ایران شروع به کار آزمایشی کرده است. در همین حال شرکت مرسدس بنز طی بیانه‌ای به طور رسمی تولید بنز در ایران را اعلام کرد.

پژو آرودی در ناوگان تاکسیرانی

مهر : مدیرعامل اتحادیه تاکسیرانی کل کشور از ورود نسل جدید خودرو پژو آرودی با موتور OHV به ناوگان حمل‌ونقل درون شهری استقبال کرد.
جواد صادقی مجددر جریان بازدید از ایران‌خودرو گفت : ایران‌خودرو همکاری بسیار خوبی با این اتحادیه دارد و مذاکراتی دو طرف در جریان است تا خودروی پژو آرودی جدید نیز وارد ناوگان حمل‌ونقل شهری شود. وی ادامه داد : ایران‌خودرو فعالیت مثبتی برای بهینه‌سازی موتور پژو آرودی به خصوص در زمینه کاهش مصرف سوخت و آلایندگی‌های زیست محیطی و افزایش توان عملکردی و فنی صورت داده و ما از نزدیک در جریان این فعالیت‌ها قرار گرفتیم و امیدواریم هر چه زودتر بتوان از این خودرو در ناوگان تاکسیرانی به صورت دوگانه‌سوز استفاده کنیم.
صادقی مجد خاطرشان کرد : ایران‌خودرو بیش از پنج هزار دستگاه خودروی سمند ای ال (کارا) در سال جاری به اتحادیه تاکسیرانی کشور تحویل می‌دهد که مقدمات این کار نیز انجام شده است.
وی ادامه داد : براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در سال جاری قرار است ۳۰ هزار دستگاه تاکسی فرسوده تعویض شوند که برای جایگزینی این خودروها، ایران‌خودرو نقش محوری ایفا می‌کند.

فروش بهاره

پوشاک نسل امروز ... و فردا

ماکسیم

تخفیف ویژه

فقط تا شنبه ۲۰ خرداد

maxim[®]
COLLECTION

اقتصاد

قیمت‌های بالا و ضرورت توسعه صنعت نفت

- ۱- مقدمه**

افزایش قیمت نفت در بازارهای بین المللی طی سال‌های اخیر به اهمیت این منبع اولیه انرژی در اقتصاد بین‌الملل افزوده است. این دور از سیر صعودی قیمت‌های نفت که تحت تاثیر افزایش مستمر تقاضا برای انرژی و نفت و تا حدودی نیز نگرانی ناشی از تنگناهای افزایش ظرفیت‌های تولید شکل گرفته است برخلاف دوره‌هایی از افزایش قیمت نفت که به دلیل کاهش عرضه نفت به بازارهای جهانی پیش آمده بود (مانند سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ میلادی) تاکنون تاثیر منفی محسوسی بر رشد اقتصادی کشورهای عمده مصرف‌کننده نفت نداشته و موجب افزایش نرخ تورم نیز نشده است. به نظر می‌رسد به سبب منشا و نیز تدریج در افزایش قیمت‌های نفت و همچنین ارتقای مستمر کارایی انرژی و نفت به‌خصوص در کشورهای توسعه‌یافته که موجب کاهش شدت انرژی و در نتیجه هزینه آن در واحد ارزش تولید شده است کشورهای عمده مصرف‌کننده نفت و انرژی توانسته‌اند خود را با قیمت‌های جدید تطبیق داده و به رشد اقتصادی خود ادامه دهند. هر چند با پیش‌بینی رشد اقتصادی در سال‌های آینده اکثر کارشناسان اقتصاد انرژی معتقد به استمرار قیمت‌های بالا برای نفت در آینده نزدیک هستند با این حال گزارش‌هایی که در خصوص تحولات بازار نفت و گاز منتشر می‌شود عموماً حاکی از تشدید صرفه‌جویی‌ها در مصرف نفت و گاز و تلاش برای جایگزینی سایر حامل‌های انرژی از یک سو و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها برای اکتشاف مخازن جدید نفت و گاز و توسعه میدان موجود و افزایش عرضه نفت و گاز از سوی دیگر است. تداوم این فعالیت‌ها می‌تواند در سال‌های آینده روند کنونی قیمت‌های نفت و گاز را تغییر دهد. به همین دلیل نیز اوپک و صادرکنندگان عمده‌نفت باید تحولات بازارهای نفت و گاز را با دقت دنبال کنند تا از وضعیت بی‌ثباتی بازار مانند آنچه در اواخر دهه ۱۹۹۰ روی داد اجتناب شود. افزایش قیمت‌های نفت و موضوع مهم دیگر را که ارتباط نزدیکی نیز با آن دارد قیمت‌های افزایش یافته در کشورهای صادرکننده نفت و نحوه خرج این درآمدها و ۲- عملکرد و کارایی شرکت‌های ملی نفت در مقایسه با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفت و گاز. اهمیت این دو موضوع با روند صعودی قیمت‌های نفت و گاز و ارقام نجومی سود و درآمدهای شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز بیشتر می‌شود. با این حال در حالی که در کشورهای صنعتی توجه اصلی به افزایش مخازن این کشورها و واردات آنها از جوامع صنعتی معطوف است، کارشناسان اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت بیشتر نگران تخصیص غیر بهینه درآمدهای نفتی و تبعات آن هستند. در این نوشته بررسی مختصری از تحولات بازارهای جهانی نفت ارایه شده و دلایل اصلی افزایش قیمت نفت در سال‌های اخیر مورد بحث قرار گرفته‌است. در انتهای مقاله نیز به این نکته‌بدهی اشاره شده‌است که مداکثر انتفاع از منابع نفت و گاز کشور، هنگامی حاصل می‌شود که دیدگاهی روشن و مبتنی بر

همانطور که در دستور قبل اشاره شد ویژگی این دوره از افزایش قیمت‌های جهانی نفت که از اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون ادامه یافته‌است تقاضای فزاینده برای نفت و انرژی در واقع وجود مازاد تقاضا برای نفت در سطح جهانی است. به عبارت دیگر در سال‌های گذشته تقاضای جهانی نفت دائماً از عرضه کل آن پیشی گرفته است و بنابراین افزایش قیمت‌ها لازم بوده است تا تعادل عرضه و تقاضای کل را برقرار کند. عامل بنیادی افزایش تقاضا نیز توسعه بی‌سابقه فعالیت‌های اقتصادی تقریباً در اکثر نقاط دنیا عم از کشورهای بزرگ توسعه‌یافته، مانند آمریکا و ژاپن، کشورهای در حال گذار مانند روسیه و کشورهای در حال توسعه مانند چین، هند، کشورهای جنوب شرقی آسیا، کشورهای اوپک و برخی از کشورهای آمریکای لاتین بوده است. متوسط رشد اقتصادی جهان در چهار سال اخیر حدود ۴/۸ درصد بوده در حالی که طی سال‌های ۱۹۷۳ الی ۲۰۰۳ متوسط رشد اقتصاد جهانی از حدود ۳/۴ درصد بیشتر نبوده است. در دوران یاد شده نیز تنها در ۵ سال غیر پیاپی رشد تولید ناخالص جهانی از ۴/۵ درصد تجاوز کرده است. شاید یادآوری این نکته که تنها قیمت نفت بلکه قیمت بسیاری از فلزات و مواد اولیه تولید نیز در سال‌های اخیر کم و بیش به همان اندازه نفت یا بیشتر افزایش یافته‌است تأییدی بر تاثیر همه‌جانبه توسعه فعالیت‌های اقتصادی در جهان بر قیمت نفت باشد. در واقع شاخص قیمت فلزات مهمی مانند طلا، نیکل، سرب و مس نیز طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۶ در همان حد نفت یا بیشتر افزایش یافته‌است. یک نکته مهم در رابطه با بسط فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی در این دوره آن است که این توسعه عمدتاً از جانب کشورهای غیر OECD (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه که متشکل از کشورهای صنعتی است) نشأت گرفته‌است. متوسط رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته در چهار سال اخیر کمتر از انرژی‌های اولیه و جایگزینی آنها و نیز بهره‌وری و شدت انرژی و نفت در اقتصاد جهانی دچار تغییرات بنیادی نشود تقاضا برای نفت، هرچند با آهنگی ملایم‌تر در دهه‌های آینده نیز افزایش خواهد یافت. با این حال باید توجه کرد که این سخن به معنی تداوم روند افزایش قیمت‌ها و یا حتی مداومت سطح کنونی قیمت‌های نفت نیست. به طوری که در دستور زیر توضیح داده خواهد شد.

- ۳- اثر بی‌کشش بودن عرضه نفت بر قیمت**

سنوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن‌است که علت عدم افزایش و یا کندی افزایش تولید نفت خام در سال‌های اخیر چیست؟ زیرا عرضه کالاها و خدمات از جمله عرضه مواد اولیه اصولاً تابعی از قیمت آن است و در سال‌های اخیر که قیمت نفت رو به افزایش بوده است انتظار می‌رفت عرضه آن نیز به تناسب بالا برود. برخی در پاسخ به این سؤال عبور از نیمه عمر منابع نفتی دنیا را دلیل اصلی می‌دانند. در این استدلال از جمله به منحنی هیوبرت (Hubbert۱۹۵۶) مهندس آمریکایی شرکت شل (Shell) استناد می‌شود که در پنجاه سال پیش با انتشار آن مسیر زمانی تولید نفت یعنی تاریخ تقریبی اوج گیری و سپس نزول اجتناب‌ناپذیر تولید نفت در آمریکا را برآورد کرد. این پیش‌بینی در مورد سال‌های اوج تولید و سپس کاهش آن در آمریکا، با چند سال اختلاف تقریباً تحقق یافت. برخی از صاحب‌نظران مسایل نفتی اعتقاد دارند که این فرآیند برای کل ذخایر نفتی دنیا نیز تکرار می‌شود. آنها تصور می‌کنند هم‌اکنون در حال نزدیک شدن و عبور از اوج تولید نفت در دنیا هستیم و به هر حال این مرحله در ۱۵/ ۱۰ سال آینده طی خواهد شد و پس از آن نرخ استحصال نفت در سطح جهان نزولی خواهد بود تا سرانجام در ۲۵ تا ۳۰ سال بعد منابع قابل استحصال نفت جهان پایان پذیرد. این گروه از جمله کاهش سریع تولید نفت و گاز در آمریکای شمالی و دریای شمال، به‌رغم به کارگیری تکنولوژی پیشرفته تولید، و حتی افول تولید میدان عظیم گوار در عربستان سعودی را که پس از ۵۰ سال تولید هم‌اکنون با تزریق احجام عظیم آب به تولید ادامه می‌دهد از یک سو و کشف نشدن میدان‌های عظیم نفت و گاز در دو دهه گذشته را از سوی دیگر شواهدی دال بر تحقق این نظریه می‌دانند. البته باید توجه کرد که پیش‌بینی اصحاب این نظریه در خصوص زمان اوج تولید نفت در دنیا چندین مرتبه مقرون به خطا بوده و به ناچار زمان پیش‌بینی شده را عقب کشیده‌اند. در هر حال هم‌اکنون نظر غالب کارشناسان نفتی با توجه به برآوردهای زمین‌شناسی آن است که به اندازه کافی نفت در زیر زمین برای چند دهه استخراج با نرخ استحصال کنونی وجود دارد. این کارشناسان از جمله به برآوردهای زمین‌شناسی آمریکا استناد می‌کنند که تخمین زده است در حال حاضر حدود ۳/۳ تریلیون بشکه نفت خام قابل استحصال در مخازن نفت در سرتاسر دنیا وجود دارد. این میزان تقریباً سه برابر مقدار نفتی است که تاکنون استخراج و مصرف شده است و با روند کنونی می‌تواند تا ۴۰ سال آینده مصرف فزاینده نفت را پاسخ دهد. البته برآوردهای دیگری نیز از مخازن قابل استحصال نفت دنیا وجود دارد که این منابع را بسیار کمتر و حدود ۱/۳ تریلیون بشکه برآورد می‌کند (برآورد مجله علمی نفت و گاز ۲۰۰۴). براساس این برآورد تنها برای بیست و چند سال می‌توان با نرخ استحصال کنونی به تولید نفت ادامه داد. البته این واقعیت که ممکن است منابع جدید نفت کشف شود و یا بهبود تکنولوژی موجب افزایش میزان نفت قابل استحصال شود مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد. به هر حال با فرض کلیات منابع نفتی موجود برای

دکتر مهدی علیی



- بخش اول**

۳ از درصد بوده است در حالی که در همین دوره اقتصاد چین به طور متوسط حدود ۹/۵ درصد، اقتصاد هند به طور متوسط حدود ۷ درصد و اقتصاد روسیه به طور متوسط حدود ۶ درصد و اقتصاد کشورهای عضو اوپک حدود ۵/۵ درصد در سال رشد کرده است. در حال حاضر اقتصاد چین در مرحله گذر از اقتصاد بریتانیا به عنوان چهارمین اقتصاد بزرگ دنیا است. البته هرچند به لحاظ برابری قدرت خرید (PPP) اقتصاد این کشور دومین اقتصاد بزرگ دنیا به شمار می‌آید و گفته می‌شود ادامه روند‌های رشد اقتصادی موجود می‌تواند اقتصاد این کشور را ظرف ۱۵ سال آینده به بزرگترین اقتصاد جهان و در نتیجه آسیا را به مرکز ثقل اقتصاد دنیا تبدیل کند. ملاحظه می‌شود که وزن اقتصادهای کشورهای در حال توسعه بالا رفته و رشد اقتصادی این کشورها هم‌اکنون قیمت کالاها را در سطح جهانی تحت تاثیر قرار می‌دهد و این موضوعی است که در مورد قیمت جهانی نفت به خوبی مشاهده می‌شود. علت تأکید بر رشد سریع اقتصادی کشورهای غیر OECD در اینجا تأثیر عملکرد اقتصاد این کشورها در وضعیت حال و آینده بازار نفت است. به طور کلی در مرحله‌ای از توسعه اقتصادی که درآمد سالانه جوامع مختلف به بالاتر از ۳ هزار دلار و کمتر از ۱۰ هزار دلار می‌رسد مرحله‌ای از انفجار تقاضا برای مصرف انرژی پیش می‌آید. علت آن نیز واضح است. مصرف سرانه بیشتر انرژی از مولفه‌های اصلی شهرنشینی و بهبود کیفیت زندگی آحاد مردم در جوامع امروزی است. از به کارگیری بیشتر وسایل حرارتی و برودتی در ساختمان‌ها که انرژی مصرفی آنها نهایتاً از انرژی‌های اولیه نظیر نفت و گاز حاصل می‌شود تا استفاده از فرآورده‌های نفتی برای مسافرت‌های فزاینده کاری و تفریحی، و همه مصرف سرانه انرژی و نفت را افزایش می‌دهد. مقایسه سادای این مطلب با رشد کشورهای مصرف سرانه نفت در آمریکا حدود ۲۸ بشکه در سال و در چین هنوز کمتر از ۳ بشکه در سال است و یا در مقابل پیش از ۸۰۰ اتومبیل در هر هزار نفر در آمریکا کمتر از ۲۰ اتومبیل در هر هزار نفر در چین وجود دارد. این تفاوت‌ها و به خوبی قابل‌توجه افزایش مصرف سرانه و کل انرژی و نفت را در چین و سایر کشورهای در حال توسعه، که از رشد سریع اقتصادی برخوردار هستند، نشان می‌دهد. گزارش‌های مختلف سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با انرژی نشان می‌دهد که هنوز حدود یک سوم مردم جهان به انرژی‌های غیر (عمدتاً دربرای شمال) یا ثابت مانده (آمریکای شمالی) و یا کاهش یافته‌است (دریای شمال نزدیک ۱/۲ میلیون بشکه در روز نسبت به سال ۲۰۰۱). به این ترتیب در حال حاضر وابستگی کشورهای OECD به نفت (و گاز) وارداتی از اوپک و روسیه افزایش پیدا کرده است و با ادامه روند موجود پیش‌بینی می‌شود در آینده ایران و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس که حدود ۶۵ درصد منابع قابل استحصال اثبات شده نفت دنیا را در خود جای داده‌اند نقش به مراتب مهمتری در تأمین نفت و گاز مورد نیاز جهان به عهده‌گیرند. بنابراین هر چند تولید نفت افزایش یافته است و افزایش آن نیز در حدی بوده است که ذخیره انبارهای نفت کشورهای توسعه‌یافته صنعتی به طور مطلق افزایش یافته و به طور نسبی نیز برحسب پوشش شمار روزهای مصرف تغییری نکرده است اما به دلیل کاهش محسوس مازاد ظرفیت تولید اوپک (کشورهای غیراوپک معمولاً مازاد ظرفیت تولید نگهداری نمی‌کنند) و مشاهده تداوم رشد اقتصادی دنیا و به‌خصوص کشورهای بزرگ در حال توسعه قیمت نفت در سطح نسبتاً بالای کنونی باقی مانده و احتمالاً تا یکی دو سال آینده نیز به همین روال ادامه خواهد یافت. حال در چنین شرایطی از بازار نفت گاهی ملاحظه می‌شود که برخی از صاحب‌نظران و حتی مسئولان انرژی و یا امور اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته اوپک را برای افزایش کنونی قیمت‌های نفت ملامت می‌کنند و انتظار دارند اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت، تولید نفت را به سرعت افزایش دهند تا قیمت نفت افزایش نیابد. همان‌طور که در دستور قبل اشاره شد در واقع نزدیک به نیمی از افزایش تولید نفت در چهار سال گذشته توسط اوپک صورت گرفته است در حالی که در همان حال تولیدنفت در کشورهای توسعه‌یافته کاهش یافته‌است. صرف‌نظر از تاثیر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از سال‌های گذشته علیه برخی از اعضای اوپک از جمله ایران که مانع دسترسی به منابع مالی لازم و تکنولوژی‌های پیشرفته برای توسعه ظرفیت‌های تولید شده است، اصولاً چنین انتظاری با توجه به ریسک عاقل‌ماندن بخش بزرگی از ظرفیت‌های تولید در صورت توسعه ظرفیت‌ها و سپس مواجهه با کاهش تقاضا معقول نیست. اوپک در اواسط دهه ۱۹۸۰ و اواخر دهه ۱۹۹۰ مجبور شد بخش بزرگی از ظرفیت‌های تولید خود را بدون استفاده نگه دارد تا از سقوط شدید قیمت‌ها جلوگیری کند. این موضوع میلیاردها دلار به کشورهای عضو اوپک زیان وارد کرد. پیش‌بینی می‌شود که اگر اوپک ظرفیت‌های تولید خود را براساس سناریو رشد قوی تقاضا برای نفت افزایش دهد لازم می‌آید که ظرفیت تولید خود را از حدود ۳۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۶ به حدود ۵۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ برساند. حال اگر تقاضا برای نفت اوپک از جمله به دلیل رشد بلطنی‌تر اقتصاد جهانی براساس سناریو رشد ضعیف‌تر تنها به حدود ۴۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ برسد در سال ۲۰۱۰ حدود ۵۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اوپک برای ایجاد ظرفیت تولید عاقل خواهد ماند. به همین جهت نیز در مقابل امنیت عرضه انرژی و نفت برای مصرف‌کنندگان بزرگ برای اوپک موضوع امنیت تقاضا برای نفت که اتفاقاً تا حدود زیادی تحت تاثیر سیاست‌های اقتصادی کشورهای بزرگ مصرف‌کننده انرژی و نفت است مطرح است. شاید در این شرایط شرط احتیاط ایجاب می‌کند که اوپک توسعه ظرفیت تولید خود را براساس یک سناریو رشد متوسط تقاضا برای نفت برنامه‌ریزی کرده و یک مازاد ظرفیت تولیدی در حد ۱۰ درصد برای انعطاف‌پذیری لازم جهت مواجهه با شرایط تنگناهای عرضه را حفظ کند.

چند دهه آینده با نرخ استحصال کنونی و تکنولوژی تولید در دسترس هنوز این سؤال مطرح می‌شود که علت کندی افزایش نرخ تولید نفت چیست و اگر به اندازه کافی نفت به بازارهای جهانی عرضه می‌شود دلیل افزایش مستمر قیمت نفت در چهار سال اخیر چه بوده است؟ واقعیت آن است که تولید نفت در چهار سال گذشته دائماً افزایش یافته است اما افزایش تولید به دلایلی که گفته خواهد آمد در حد رشد تقاضا نبوده و از آنجا که نگرانی‌هایی نیز نسبت به استمرار عرضه انرژی‌های اولیه نفت و گاز در حد مورد نیاز وجود داشته است روند افزایشی قیمت نفت ادامه یافته است. در واقع تولید نفت خام از حدود ۷۷/۱ میلیون بشکه در روز در سال (۲۰۰۱) به حدود ۸۳/۱ میلیون بشکه در روز در سال گذشته میلادی (۲۰۰۵) رسید و انتظار می‌رود در سال جاری به متوسط روزانه ۸۴/۱ میلیون بشکه در روز برسد که نشانه افزایش حدود ۴/۷ میلیونیشکه در روز نسبت به سال(۲۰۰۱) و یا متوسط سالانه حدود ۱/۵ میلیون بشکه در روز در ۵ سال گذشته است. هم‌اکنون با آنکه کل ذخیره نفت خام کشورهای OECD از ۳/۹ میلیارد بشکه در سال (۲۰۰۱) به ۴/۰۸ میلیارد بشکه رسیده است (که همچنان برای حدود ۸۲ روز مصرف آتی کلیت می‌کند) اما قیمت نفت تقریباً سه برابر سال(۲۰۰۱) است. دلیل اصلی نیز همانطور که گفته شد رشد سریع تقاضا از جانب کشورهای بزرگ در حال توسعه به‌خصوص چین است که مصرف نفت خود را از ۴/۷ میلیون بشکه در روز در سال(۲۰۰۱) با رشد متوسط حدود ۱۰ درصد در سال به ۷ میلیون بشکه در روز رسانده است و به دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت بعد از آمریکا تبدیل شده است. واضح است که اگر قیمت‌های نفت افزایش پیدا نمی‌کرد تقاضا به مراتب بیشتر بود ولیکن افزایش قیمت نفت موجب شده است تقاضا در این حد با عرضه به تعادل برسد. این وضعیت موجب سردرگمی‌هایی در تحلیل وضعیت بازار نفت شده است. به طوری که حتی برخی افراد شناخته شده در صنعت نفت مانند لرد براون Lord Brawn مدیرعامل شرکت بین‌المللی نفت ب. پ (B. P) از افزایش قیمت نفت هم‌زمان با افزایش حجم انبارهای نفت کشورهای صنعتی اظهار شگفتی کرده‌اند. در حالی که به نظر می‌رسد اولاً حجم انبارهای نفتی کشورهای توسعه‌یافته صنعتی به طور نسبی افزایش نیافته است بلکه انبارهای نفتی تجاری نسبت به سال ۲۰۰۱ به طور نسبی حتی کاهش نیز پیدا کرده است. ثانیاً خرید و انبار نفت در زمانی که حتی ظرفیت مازاد تولید اوپک به کمترین میزان سال‌های گذشته رسیده (کمتر از ۱۰ درصد) و تقاضا همچنان افزایش می‌یابد قابل‌تأمل است. از ۴/۱ میلیون بشکه افزایش تولید روزانه نفت در ۵ سال گذشته افزایش تقریباً ۳/۵ میلیون بشکه در روز توسط اوپک و ۳/۵ میلیون بشکه نیز توسط کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق (عمدتاً روسیه) تحقق یافته است. این در حالی است که تولید نفت در آمریکای شمالی و اروپای غربی (عمدتاً دریای شمال) یا ثابت مانده (آمریکای شمالی) و یا کاهش یافته‌است (دریای شمال نزدیک ۱/۲ میلیون بشکه در روز نسبت به سال ۲۰۰۱).

به این ترتیب در حال حاضر وابستگی کشورهای OECD به نفت (و گاز) وارداتی از اوپک و روسیه افزایش پیدا کرده است و با ادامه روند موجود پیش‌بینی می‌شود در آینده ایران و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس که حدود ۶۵ درصد منابع قابل استحصال اثبات شده نفت دنیا را در خود جای داده‌اند نقش به مراتب مهمتری در تأمین نفت و گاز مورد نیاز جهان به عهده‌گیرند. بنابراین هر چند تولید نفت افزایش یافته است و افزایش آن نیز در حدی بوده است که ذخیره انبارهای نفت کشورهای توسعه‌یافته صنعتی به طور مطلق افزایش یافته و به طور نسبی نیز برحسب پوشش شمار روزهای مصرف تغییری نکرده است اما به دلیل کاهش محسوس مازاد ظرفیت تولید اوپک (کشورهای غیراوپک معمولاً مازاد ظرفیت تولید نگهداری نمی‌کنند) و مشاهده تداوم رشد اقتصادی دنیا و به‌خصوص کشورهای بزرگ در حال توسعه قیمت نفت در سطح نسبتاً بالای کنونی باقی مانده و احتمالاً تا یکی دو سال آینده نیز به همین روال ادامه خواهد یافت. حال در چنین شرایطی از بازار نفت گاهی ملاحظه می‌شود که برخی از صاحب‌نظران و حتی مسئولان انرژی و یا امور اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته اوپک را برای افزایش کنونی قیمت‌های نفت ملامت می‌کنند و انتظار دارند اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت، تولید نفت را به سرعت افزایش دهند تا قیمت نفت افزایش نیابد. همان‌طور که در دستور قبل اشاره شد در واقع نزدیک به نیمی از افزایش تولید نفت در چهار سال گذشته توسط اوپک صورت گرفته است در حالی که در همان حال تولیدنفت در کشورهای توسعه‌یافته کاهش یافته‌است. صرف‌نظر از تاثیر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از سال‌های گذشته علیه برخی از اعضای اوپک از جمله ایران که مانع دسترسی به منابع مالی لازم و تکنولوژی‌های پیشرفته برای توسعه ظرفیت‌های تولید شده است، اصولاً چنین انتظاری با توجه به ریسک عاقل‌ماندن بخش بزرگی از ظرفیت‌های تولید در صورت توسعه ظرفیت‌ها و سپس مواجهه با کاهش تقاضا معقول نیست. اوپک در اواسط دهه ۱۹۸۰ و اواخر دهه ۱۹۹۰ مجبور شد بخش بزرگی از ظرفیت‌های تولید خود را بدون استفاده نگه دارد تا از سقوط شدید قیمت‌ها جلوگیری کند. این موضوع میلیاردها دلار به کشورهای عضو اوپک زیان وارد کرد. پیش‌بینی می‌شود که اگر اوپک ظرفیت‌های تولید خود را براساس سناریو رشد قوی تقاضا برای نفت افزایش دهد لازم می‌آید که ظرفیت تولید خود را از حدود ۳۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۶ به حدود ۵۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ برساند. حال اگر تقاضا برای نفت اوپک از جمله به دلیل رشد بلطنی‌تر اقتصاد جهانی براساس سناریو رشد ضعیف‌تر تنها به حدود ۴۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ برسد در سال ۲۰۱۰ حدود ۵۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اوپک برای ایجاد ظرفیت تولید عاقل خواهد ماند. به همین جهت نیز در مقابل امنیت عرضه انرژی و نفت برای مصرف‌کنندگان بزرگ برای اوپک موضوع امنیت تقاضا برای نفت که اتفاقاً تا حدود زیادی تحت تاثیر سیاست‌های اقتصادی کشورهای بزرگ مصرف‌کننده انرژی و نفت است مطرح است. شاید در این شرایط شرط احتیاط ایجاب می‌کند که اوپک توسعه ظرفیت تولید خود را براساس یک سناریو رشد متوسط تقاضا برای نفت برنامه‌ریزی کرده و یک مازاد ظرفیت تولیدی در حد ۱۰ درصد برای انعطاف‌پذیری لازم جهت مواجهه با شرایط تنگناهای عرضه را حفظ کند.

سال سوم ■ شماره ۷۶۸ *شوق* ^{روزانه}

گفت‌وگو

اسحاق جهانگیری در گفت‌گو با شوق

نمی‌توانند سیاست‌ها را تغییر دهند

■ پس از تغییر دولت مهمترین دغدغه مسئولان پیشین اجرای برنامه چهارم بود و همواره این نگرانی وجود داشت که اهداف چشم‌انداز ۱۰ساله و برنامه چهارم محقق نشود. با توجه به این ایده آیا این نگرانی در شما ایجاد شده است؟
هماظفر که می‌داند بخش صنعت تنها فضای محیطی اش در اختیار دولت است و عمدتاً در اختیار بخش خصوصی است. فضای در اختیار دولت نقش کلیدی در توسعه صنعت دارد. هم من در تمام مدت مسئولیتم تلاش کردم این وزارتخانه را به یک نهاد سیاست‌گزار و با کمترین تصدیگری تبدیل کنم که در تعامل با دستگاه‌های دیگر شرایط محیطی مناسبی برای توسعه کشور به‌وجود آورد. الان به نظر می‌رسد در شرایط محیطی تغییرات بسیار زیادی رخ داده است. ما در شهریور ۸۴ که دولت ارتاکر کردیم، ۶ میلیارد و ۷۰۰میلیون دلار برای بخش غیر دولتی گذاشیم اعتبار شده بود. این رقم را اگر از برای‌های که بعد از پیروزی انقلاب به این مجموعه اختصاص یافته مقایسه کنید، بسیار بیشتر است. بیش از ۱۰ میلیارد دلار طرح مصوب شده بود و در مرحله گشایش اعتبار بود، که الان تکلیف آن مشخص نیست. با منابع تسهیلات تکلیفی و بر اساس برنامه چهارم مصوب کردیم که هر سال کاهش یابد و در مقابل بازپرداخت بدهی دولت به بانک‌ها آغاز شود، تا بانک‌ها منابع بیشتری در اختیارشان قرار بگیرد و بتوانند با آزادی عمل بیشتری عمل کنند که در این رابطه هم اهمیت وجود دارد. آخرین گزارشی که در این رابطه در زمان مسئولیت من منتشر شد، اختصاص سهم ۴۰ درصدی از این منابع به بخش صنعت و معدن حکم کرد. بانک‌ها هم فعال شده بودند که با بخش صنعت و معدن همکاری کنند. مجموعه‌ای از این سیاست‌ها پس از تغییر دولت احساس می‌شود، حتی اگر تغییر نکرده باشد، دچار تردید جدی برای اجرا شده است. یعنی الان نحوه کارکرد بانک‌ها با بخش خصوصی دچار مشکل شده. توسعه صنایع کوچک مهم است ولی اخیراً شنیدم که یکی از مقامات گفته که در دوره قبل فقط به صنایع بزرگ پرداخته شد و ما می‌خواهیم به صنایع کوچک بپردازیم. در حالی که در پایان دوره من ۹۵ درصد صنعت کشور کوچک اعلام شد و صنایع بزرگ انگشت‌شمار بودند. اما همان‌موقع هم این صنایع کوچک مشکلاتی داشتند که نمی‌توانستند به‌طور کامل وصل شوند. در کیفیت و ارتباط با واحدهای بزرگ مشکل داشتند. قرار بود با پیگیری پروژه‌های موردی بزرگ را پیگیری می‌کردیم مثل فولاد یا پتروشیمی اما تمام ظرفیت بر روی توسعه صنایع بزرگ نبود. شنیدم‌ام در مورد فولاد گفته‌اند شرکت‌های موجود به دنبال سرمایه‌گذاری در استان‌ها بازرگانی. متأسفانه تعریف بدی که از صنایع کوچک داده می‌شود اینکه شرکت می‌کنند هر واحدی را می‌شود کوچک کرد. واحد تولیدی اگر اقتصادی نباشد چه کوچک و چه بزرگ نابود می‌شود. باید راهکاری برای واحدهای کوچک پیدا شود تا اقتصادی بمانند. در غیراین صورت مستحکم به نابودی هستند. بنابراین گفته‌ام که باید همه واحدهای کوچک کارخانه فولاد داشته باشند، این کار شدنی نیست. فولاد باید بتواند اقتصادی باشد تا در بازار رقابت کند.

■ فکر می‌کنید جدی‌ترین تغییر در سیاست‌های دولت جدید چیست؟
من فکر می‌کنم مهمترین آن ابهام باشد، چون دولت جدید سیاست شفاف و مهمی که تکلیف سرمایه‌گذار را روشن کرده باشد، اعلام نکرده است.

■ در کدام بخش‌ها تردید وجود دارد؟

در بخش‌های مهم اقتصادی واقعاً ابهام‌ها جدی است، حتی در فضای حاکم بر بخش‌های تولیدی ابهام بیشتر است. ■ در حوزه وزارت صنایع شما یکسری سیاست‌ها را دنبال می‌کردید که با روی کار آمدن دولت جدید آن سیاست‌ها تغییر کرده است.

تا این لحظه من هیچ سیاست مدونی که از سوی وزارت صنایع و معادن منتشر شده باشد و خلاف سیاست‌های گذشته باشد، ندیدم. تنها یکسری مطالب کلی در سخنرانی‌ها اعلام شده است. فکر می‌کنم سیاست‌ها تغییر نکرده، اما به دلیل اینکه فضا شفاف نیست همه احساس می‌کنند سیاست‌ها تغییر کرده. به نظر من مهمترین رسالت دولت جدید ابهام‌زدایی است، تا بخش خصوصی را از نگرانی در آورد.

■ شما به اختصاص ۶/۷ میلیارد دلار ارز که از محل حساب ذخیره ارزی به بخش خصوصی اختصاص یافت اشاره کردید که در زمان شما این موضوع اتفاق افتاد. اما مقارن این تصمیمی که گرفته‌ید که وام ارزان‌تر از بازارهای جهانی به بخش صنعت بدهید، دولت یک سیاست جدید و ناصحیحی را اتخاذ کرد مبنی بر تثبیت نرخ ارز که قدرت ریال را در طول سال‌های اجرای برنامه سوم افزایش داد. هم‌زمان که این وام‌ها اختصاص می‌یافت، نرخ ارز خروجی در تورم ۱۷ یا ۱۸ درصد بود. وام ارزی با نرخ لایبور به علاوه ۲ یا ۳ متأسفانه تولید رانت می‌کرد. یعنی یک‌جور تکرار همان ارز تومانی بود. آمارها هم نشان می‌دهد که در این سال‌ها واردات افزایش یافت.

اتفاقاً این نکته‌ای که شما به آن اشاره می‌کنید از آن حرف‌های ناخنی بود که راجع به بخش ارزی حساب ذخیره ارزی و وامی که از این محل به بخش خصوصی داده می‌شد، خیلی مطرح می‌شود. اولاً پرداخت وام از حساب ذخیره ارزی از سال ۸۰ شروع شد و کل ارز پرداخت شده تا شهریور ۸۴ حدود ۶/۷ میلیارد دلار بود. حالا من می‌پرسم در طول برنامه سوم دولت چقدر ارز خرج کرده؟ قاعدتاً بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار. هیچ‌کس در مورد آن ۱۰۰ میلیارد دلار حساسیت نشان نمی‌دهد، اما در مورد این ۶/۷ میلیارد دلاری که این بخش گرفته و متعهد شده که ارز را برگرداند حرف و حدیث بسیار است. وقتی این میزان ارز به بخش خصوصی اختصاص یافت، نرخ وام در بازارهای جهانی لایبور به علاوه ۷/۵، آماده پرداخت بود. ما در فولاد و پتروشیمی لایبور به علاوه نیم می‌گرفتم. با این حال از محل حساب ذخیره ارزی وام با نرخ لایبور به علاوه ۲ درصد پرداخت شد. حتی خیلی از وام‌گیرنده‌ها به دلیل اینکه نرخ یورو و دلارفت مجبور به بازپرداخت وام‌ها با سود بالای ۳۰ درصد شدند. لذا ما درخواست کردیم بالای ۱۰ درصد نرخ ریسک برای بخش خصوصی را هم دولت پوشش دهد، تا وام بالای ۱۵ درصدی برای آنها گران‌تر تمام نشود. به همین دلیل در برنامه چهارم پیش‌بینی شد که هر سال ۷ یا ۸ درصد دلار تغییر کند باجمع لایبور به علاوه ۲ که ۵ درصد می‌شد، قیمت وام ۱۴ درصد تمام می‌شد. ضمن اینکه بخش خصوصی متعهد می‌شد که ارز برگرداند و ریسک هم متحمل شود. بنابراین واقعاً هیچ رانتی برای بخش خصوصی وجود نداشت. همین که تغییرات بزرگ نرخ ارز در اختیار وام‌گیرنده نبود، خود ریسک بزرگی بود. آن موقع به راحتی می‌توانستیم لایبور به علاوه نیم از بازار جهانی برای بخش خصوصی بگیریم. از طرفی همین ۶/۷ میلیارد دلار برمی‌گشت. اما دهنه‌هایی که از حساب خرج شد، برگشت. اگر قیمت ارز متناسب با تورم پیش برود به خصوص برای واحدهای صنعتی مشکل ساز می‌شود. نگرانی‌ای که برای ارز کشور در شرایط فروش نفت وجود دارد این است که برخلاف شعارهایی که در مورد دستیابی به تولید داخل مطرح می‌شود در عمل به گونه دیگری است و واردات افزایش می‌یابد.